

راهبردهای سیاسی صادقین(ع) در مواجهه با انحرافات سیاسی و فرهنگی

پدیدآورده (ها) : معصومی، سیدابراهیم؛مهاجرنیا، محسن
علوم سیاسی :: سیاست متعالیه :: تابستان 1395 - شماره 13 (علمی-پژوهشی)
از 25 تا 44
آدرس ثابت : http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1169200

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 04/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

راهبردهای سیاسی صادقین(ع) در مواجهه با انحرافات سیاسی و فرهنگی

سیدابراهیم معصومی*، محسن مهاجرنیا**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱
تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۴/۳۱

سیاست متعالیه
• سال چهارم
• شماره سیزدهم
• تابستان ۹۵
راهبردهای سیاسی صادقین(ع) در مواجهه با انحرافات سیاسی و فرهنگی (۲۵ تا ۴۴)

چکیده

نوشتار حاضر با مطالعه‌ی تاریخی و با رویکرد سیاسی، مشکلات و انحرافات جامعه‌ی اسلامی عصر امام باقر و امام صادق(ع) را بررسی کرده و بر اساس الگوی روشی SWOT جامعه‌ی شیعی را از بعد داخلی (به‌لحاظ قوت‌ها و ضعف‌ها) و خارجی (به‌لحاظ فرصت‌ها و تهدیدها) مورد بحث و فحص قرار داده است. محصول نهایی این پژوهش، شناسایی راهبردهای سیاسی موردنظر درباره‌ی نحوه‌ی مواجهه و برخورد با انحرافات سیاسی و فرهنگی توسط صادقین(ع) است؛ لذا با تلفیق الگوی راهبردی ضعف ـ تهدید، به راهبردهای سیاسی: تقیه، مدارا، تولی و تبری برای شیعیان آن دوره منتهی می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

راهبرد صادقین(ع)، راهبرد سیاسی، انحرافات سیاسی ـ فرهنگی، تقیه، مدارا، تولی و تبری.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه (Masoumi2828@gmail.com).

** استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه (Mohajernia99@yahoo.com).

www.noormags.ir

مقدمه

بعد از دوره‌ی پیامبر(ص) جامعه‌ی اسلامی به‌دلیل بحران جانشینی نتوانست در مسیر اصلی ادامه یابد و رهبری امت اسلامی در میان امویان و عباسیان مصادره گردید و امامان معصوم(ع) که به‌حق شایسته‌ی خلافت بعد از ایشان بودند، از صحنه‌ی سیاسی جامعه‌ی اسلامی کنارزده شدند. بعد از شهادت امام حسین(ع) حاکمیت موجود، از حضور ائمه(ع) در جامعه احساس خطر کردند؛ لذا برای حفظ حکومت خودشان، امامان معصوم و جامعه‌ی شیعی را در تنگناهای شدیدی قرار دادند. در چنین شرایطی ائمه(ع) برای حفظ هویت و بقای شیعیان، آن‌ها را امر به تاکتیک تقیه و اختفای اسرار می‌نمودند و مبارزه با حاکمیت جور را در اشکال غیرعلنی هدایت می‌کردند. در این میان، امام باقر و امام صادق(ع) در برهه‌ی خاصی از حاکمیت سیاسی (گذر از امویان به عباسیان) حضور داشتند که این برهه نیز، تهدیدها و فرصت‌های خاصی را برای شیعه ایجاد کرده بود. ایشان با وجود مشکلات و سختی‌های فراوان، با ارائه‌ی رهیافت‌ها و استراتژی‌های متفاوتی سعی کردند تا شیعیان را از این پیچ خطرناک تاریخی عبور داده و حیات آن‌ها را در جامعه‌ای که شیعه جایگاهی نداشت، حفظ نمایند. این نوشتار بر این باور است: ازآن‌جایی‌که جمعیت شیعه در آن شرایط سیاسی ــ که عرصه بر مکتب اهل‌بیت(ع) تنگ شده بود ــ برای برون‌رفت از وضعیت خفقان نیازمند راهبردهای کارآمدی بوده است که صادقین(ع) بهترین راهبردها را ارائه کرده‌اند. برای تبیین این راهبردها بر پایه‌ی چارچوب «روش سوات»[1] شرایط سیاسی، تحلیل، ضرورت و اهمیت راهبردهای برون‌رفت از آن شرایط را بیان کرده‌ایم. مقصود از راهبردها در فرآیند دست‌یابی به اهداف، مهم‌ترین عناصر کلیدی هستند که به‌منزله‌ی پل ارتباطی تلقی می‌شوند. راهبردها، جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب می‌رسانند و با سامان‌دادن به روش‌های دست‌یابی و تاکتیک‌های حرکت، شکاف بین اهداف و تاکتیک‌ها را پر می‌کنند. برخی از محققان آن را به‌معنای علم و فن توسعه و کاربرد قدرت‌سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت به‌هنگام صلح و جنگ به‌منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست تعریف کرده‌اند (روشندل، ۱۳۷۰: ۲۴۲-۲۳۵). گاهی راهبرد با رویکردهای معرفتی در حوزه‌ی دانش، هنر یا فن خاص تعریف شده است؛ گاهی نیز فراخ‌تر از رویکردهای خاص، در معنایی جامع، به مجموعه‌ی ظرفیت‌های سامان‌داده‌شده‌ای از دانش، هنر و فن در به‌کارگیری فرصت‌ها و ظرفیت‌های یک ملت برای تأمین اهداف سیاسی آن استعمال شده است.

1. swot metode.

www.noormags.ir

روش تحقیق

گروه‌ها و سازمان‌های مختلف برای حفظ موجودیت خود با اتخاذ بهترین و دقیق‌ترین نقشه‌ها و تصمیم‌ها، اهداف خود را دنبال می‌کنند. آن‌ها با بررسی و شناسایی عوامل درونی، مانند: نقاط قوت و ضعف؛ و عوامل بیرونی، مانند: فرصت و تهدید، راهکار و راهبردهای مناسب و دقیقی برای بیرون‌رفتن از وضعیت موجود، جهت رسیدن به‌وضعیت مطلوب ارائه می‌کنند. لذا مدیریت راهبردی با در نظر گرفتن عناصر: قوت، ضعف، فرصت و تهدید و هم‌چنین با آمیختن این موارد با یک‌دیگر، جهت مقابله و مبارزه با بحران‌های پیش رو، راهبردهای منظم و دقیق را ارائه می‌کند.

نظریه‌ی راهبرد سوات (SWOT) برای اولین‌بار در سال ۱۹۵۰ مطرح شد. این روش در همان دهه به‌دلیل موفقیت‌هایی که کسب کرد، به‌عنوان بهترین ابزار مدیریت معرفی و شناخته شد (پیرس، ۱۳۸۰: ۲۷۰). در این روش، ابتدا اهداف و رسالت سازمان یا گروه مشخص شده، سپس در گام بعدی، متناسب با محیط و شرایط آن سازمان یا گروه، برای آن استراتژی طراحی می‌شود. در این مقاله با استفاده از روش مذکور، در مرحله‌ی اول به تجزیه و تحلیل محیط‌های داخلی (جامعه‌ی شیعی) و خارجی (جامعه‌ی غیرشیعی) پرداخته و در مرحله‌ی دوم، راهبردهای مورد نظر را ارائه خواهیم داد.

شکل: نمایش ماتریس‌های مورد استفاده در روش تحلیل SWOT

محیط داخلی

عوامل استراتژیک	فهرست قوت‌ها (S)	فهرست ضعف‌ها (W)
فهرست فرصت‌ها (O)	استراتژی‌های SO	استراتژی‌های WO
فهرست تهدیدها (T)	استراتژی‌های ST	استراتژی‌هایTW

محیط خارجی

شکل: نمایش ماتریس‌های مورد استفاده در روش تحلیل SWOT

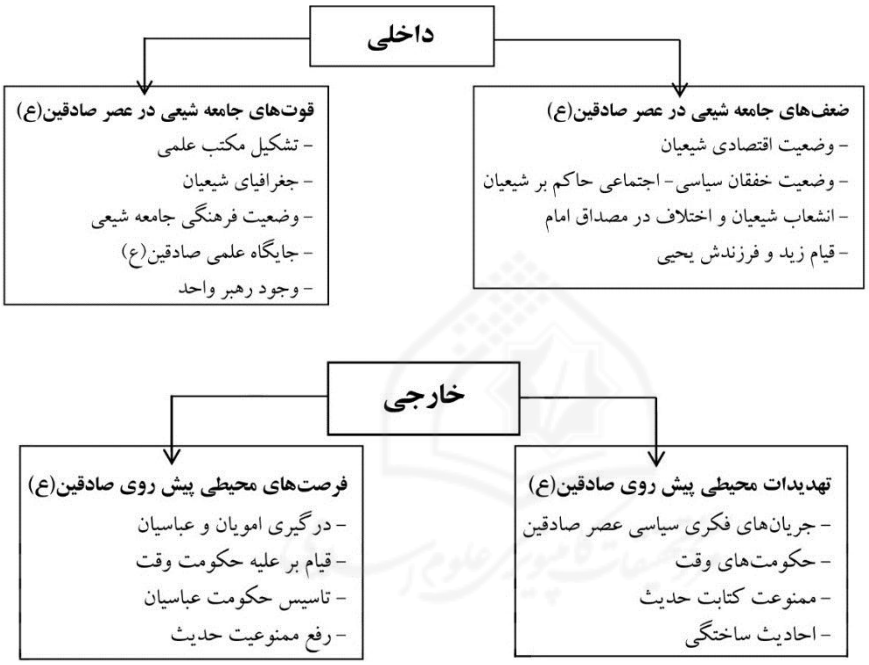
		محیط داخلی	
	عوامل استراتژیک	W (ضعف)	S (قوت)
محیط خارجی	O (فرصت)	WO	SO
	T (تهدید)	WT	ST

www.noormags.ir

شکل: راهبرد ارائه شده با الگوی ضعف ـ تهدید در روش تحلیل SWOT

	عوامل استراتژیک	w (ضعف)
محیط خارجی	t (تهدید)	w t
	راهبرد ارائه شده	۱. تقیه ۲. مدارا ۳. تولی ۴. تبری

شکل: تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف در محیط داخلی و خارجی



شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عصر امامین صادقین(ع)

ویژگی‌های محیط درونی جامعه شیعی:

نقاط قوت

مهم‌ترین نقاط قوت جامعه‌ی شیعی در عصر این دو امام بزرگ‌وار عبارت بوده‌اند از:

۱. تشکیل مکتب علمی

امام باقر و امام صادق(ع) با استفاده از شرایط خاص سیاسی جامعه‌ی آن روز و با توجه به جایگاه علمی‌ای که داشتند، پایه‌گذاران بزرگ‌ترین نهضت علمی در عصر تاریکی شدند و مکتب علمی‌ای در ابعاد مختلف عقلی و نقلی تشکیل داده و به تعلیم و تربیت دانشمندان

www.noormags.ir

مختلف پرداختند. در محفل علمی ایشان افرادی چون: محمدبن‌مسلم، جابر جعفی، زرارةبن‌اعین، ابوبصیر الاسدی، فضیل‌بن‌یسار، محمدبن‌مسلم الطائفی و بریدبن‌معاویهٔ العجلی، هشام‌بن‌حکم، مؤمن‌الطّاق، مفضل‌بن‌عمر جعفی، و... را می‌توان نام برد (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۹۷ق:۲۱۱؛ ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج۱: ۱۶۶).

۲. جغرافیای شیعیان

هسته‌ی اولیه‌ی شیعیان در عربستان شکل گرفت و تا پایان قرن نخست هجری بیش‌ترین فعالیت آن‌ها در مکه و مدینه و چند شهر دیگر عراق بود. البته معارف اصیل تشیع تا حدودی به سایر بلاد اسلامی راه یافته بود. در این میان کوفه در رشد و گسترش تشیع سهم قابل ملاحظه ای داشته است و دلیل عمده‌ی تشیع و رشد آن در کوفه، وجود حضرت علی(ع) در دوره‌ی خلافت‌شان در این شهر بوده است. هم‌چنین شهر «بصره» که پس از اسلام در حدود سال ۱۵ هق. پدید آمد. در منابع مختلف تاریخی، از حضور شیعیان در مدائن از دهه‌های نخست تاریخ اسلام نیز سخن گفته شده است (مسعودی، ۱۳۶۷ش، ج۱: ۶۶۳؛ طبری، ۱۹۸۷م، ج۴: ۳۴۵). مصر نیز یکی از مهم‌ترین سرزمین‌های اسلامی است که در سال ۲۰ به‌دست مسلمانان فتح شد. مورخین بر این باور هستند که هم‌زمان با ورود اسلام به مصر، تشیع نیز وارد این حیطه‌ی جغرافیایی شده است (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج۱: ۸۱۵). هم‌چنین در نیمه‌ی دوم قرن اول هجری در برخی از ایرانیان، خصوصا مردم خراسان، گرایش به تشیع گزارش شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۴۰).

۳. وضعیت فرهنگی جامعه‌ی شیعی

بعد از پیامبر(ص) و تثبیت خلافت در خاندان امویان، اقداماتی برای محدودکردن اهل‌بیت پیامبر(ص) در جامعه‌ی اسلامی و جاهل نگه‌داشتن مردم انجام گرفت؛ این اعمال باعث افول وضعیت فرهنگی جهان اسلام شد (مرتضی عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱: ۸۰). در این میان برجسته‌ترین شاخصه‌ی رفتاری شیعیان در عصر رهبری امام باقر و امام صادق(ع) که مانند دوران دیگر ائمه به‌عنوان فرهنگ رفتاری مذهبی تلقی می‌شد، تبعیت از امامان معصوم(ع) بوده است؛ طوری که می‌توان آن را به‌عنوان فرهنگ تشیع تلقی کرد. شایان ذکر است که در نظام تشیع، مسأله‌ی شناخت امامت، مجرای شناخت خداوند نیز معرفی شده است. البته در این بین افرادی از شیعیان بودند که با ایشان مخالفت می کردند (یعقوبی ،۱۳۷۳ش، ج۳: ۶۶؛ کلینی، ۱۳۶۲ش، ج۲: ۱۸).

نقاط ضعف

مهم‌ترین نقاط ضعف جامعه‌ی شیعی در دوران امام باقر و امام صادق(ع) عبارت است از:

www.noormags.ir

۱. ضعف اقتصادی شیعیان

شیعیان از بسیاری فرصت‌ها که غیرشیعیان می‌توانستند بهره‌مند شوند، محروم بودند. هم‌چنین امام باقر و امام صادق(ع) نیز آنان را از هرگونه همکاری و اشتغال به‌کارهایی که به‌گونه‌ای همکاری با حکومت جور شمرده می‌شد، منع کرده بودند. لذا شیعیان، از فرصت‌های شغلی آزاد، که کم‌تر به حکومت مربوط می‌شد، هم‌چون: تجارت و صرافی و کارهای خدماتی دیگر استفاده می‌کردند. شیعیان از لحاظ مالی و زندگی در یک طبقه نبودند؛ برخی از آن‌ها ثروت‌مند بودند. افرادی که زکات می‌پرداختند، در زمره‌ی شیعیان ثروت‌مند شمرده می‌شدند (طوسی، ۱۴۱۰ق، ج۴: ۹۶؛ الحموی، ۱۹۹۰ م، ج۵: ۷۵؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ج۲۰: ۷۲ و ۱۵۷ و ج۱: ۲۳۰ و ج۷: ۶۱ و ج۸: ۳۳؛ زبیدی، ۱۹۷۰م: ۲۰۴؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج۳: ۵۵۵). به‌همین‌ترتیب، فقر نیز در میان شیعیان عمومیت داشت. برخی از محققین در مورد فقر شیعه می‌گویند: تصادفی نیست اصحابی که بر جانشینی و خلافت امام علی(ع) اصرار می‌ورزیدند، متعلق به اکثریت فقیر بودند؛ یا از کسانی بودند که چون مال و مکنت بر آن‌ها عرضه شد، آن را نپذیرفتند. اساساً نیروهایی را که تحت لوای تشیع مبارزه کرده‌اند، یک رشته به‌هم مرتبط می‌سازد و آن عامل، فقر اقتصادی و فقدان ثروت است (العلوی، ۱۳۷۶: ۲۱).

۲. وضعیت خفقان سیاسی ـ اجتماعی حاکم بر شیعیان

بعد از واقعه‌ی کربلا و اقدام حکومت وقت در به‌شهادت‌رساندن امام حسین(ع) و به‌اسارت‌بردن خاندان اهل‌بیت(ع)، خفقان سنگینی بر جهان اسلام سایه افکند. اگرچه با قیام‌هایی مانند: قیام توابین، قیام مختار و ... جرقه‌ی امیدی در آن خفقان بود، ولی با سرکوب شدید آنان، این جرقه‌ی امید نیز محو شد. فشاری که از ناحیه‌ی اموی‌ها بر شیعه اعمال می‌شد، جز در دو سال حکومت عمربن‌عبدالعزیز ـ از ۹۹ تا ۱۰۱ ـ در تمام دوران حکومت آنان به‌شدّت ادامه داشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۴۶: ۳۶۰). بعد از این‌که عباسیان با شعار «الرضا من آل‌محمد» بر مسند خلافت تکیه زدند، در دوران حکومت منصور عباسی، شدیدترین فشارها بر شیعیان اعمال شد؛ به‌طوری‌که اصحاب امام(ع) به‌منظور صیانت خود از گزند منصور، به تقیه روی آوردند هم‌چنین سفارش‌های مکرر امام صادق(ع) بر تقیه، خود دلیل آشکاری بر وجود چنین فشار سیاسی‌ای بوده است. خطر هجوم بر شیعه چنان نزدیک بود که امام برای حفظ آنان، ترک تقیه را مساوی ترک نماز اعلام فرمود (احمد بن محمد بن خالد البرقی،۱۳۷۱: ۱۱۹؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۸۳-۲۸۱).

۳. انشعاب و پیدایش فرقه‌های شیعی

شیعیان بعد از عاشورا به چند گروه تقسیم شدند: گروه اول امامیه، به‌رهبری امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود. گروه دوم زیدیه است که بعد از شهادت زید ـ فرزند امام سجاد(ع) ـ

www.noormags.ir

(طبری، ۱۳۷۱، ج۳: ۲۰۵-۲۰۸) فرزندش یحیی رهبر زیدیان شد (محری، ۱۳۸۲: ۱۵۱ و ۱۵۰). گروه سوم، حسنیان به رهبری عبدالله محض از فرزندان حسن‌بن‌حسن (حسن مثنی) هستند (مفید، ۱۳۷۶: ۱۱۹)؛ حسنیان چون دنبال خلافت و قدرت سیاسی بودند، اعتقادی به نصب امام از طرف خداوند به‌نص آشکار (برخلاف امامیه) یا پنهان (برخلاف زیدیه) نداشتند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج۳: ۳۰۵). گروه چهارم، حنفیان به رهبری محمدبن‌حنفیه بودند؛ وی بعد از شهادت امام حسین(ع) داعیه‌دار امامت نبوده است، ولی مقبولیت عامه (ابن‌جوزی، ۱۴۱۸ق: ۲۶۴) و منتسب‌بودن برخی گروه‌ها به وی قطعی است (اشعری قمی، ۱۳۶۱: ۲۱). وی در سال ۸۱ هجری قمری از دنیا رفت. حنفیان با مرگ وی، پسرش ابوهاشم را با اعتقاد به نص محمدبن‌حنفیه بر امامت وی، به امامت برگزیدند و پس از آن، ابوهاشم رسما به‌عنوان امام حنفیان فعالیت خود را آغاز کرد. حنفیان نیز مانند سایر گروه‌ها برعلیه امویان مبارزه می‌کردند؛ البته فعالیت ایشان بعد از شکست قیام مختار بیش‌تر به‌صورت مخفیانه صورت گرفت (دفتری، ۱۳۷۵: ۷۶). حنفیان پس از مرگ ابوهاشم به فرقه‌های گوناگونی در آمدند؛ اما اغلب آنان انتقال امامت از وی به محمدبن‌علی عباسی(عباسیان) را پذیرفتند و به‌طور کامل در عباسیان هضم شدند (دفتری، همان: ۷۶؛ مسعودی، ۱۳۶۷، ج۲: ۸۰-۸۱)

بنابراین پس از انشعاب شیعیان، جمعیت شیعه در مورد امام معصوم نیز دچار اختلاف شدند. احادیث شیعه بر انتخاب امام باقر و امام صادق(ع) به‌عنوان وصی و امام از طریق نص خاص، و هم‌چنین از سوی امامان قبلی وارد شده است؛ با این وجود، بخشی از چالش‌های امام باقر و امام صادق(ع)، حل‌وفصل منازعات داخلی شیعیان برای اثبات حقّانیت امامت و مصداق واقعی‌بودن آل‌محمد بود که از جمله‌ی آن‌ها: ادعای امامت ابوهاشم (فرزند محمد حنفیه)، ادعای عبدالله محض برای امامت فرزندش «محمد نفس زکیه» و هم‌چنین زیدبن‌علی و یحیی‌بن‌زید را می‌توان نام برد (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۸۹)؛ لذا در صحبتی که میان امام باقر(ع) با زید اتفاق افتاد، سعی امام بر تبیین مفهوم امامت و وظایف او به‌عنوان مفسّر واقعی احکام الهی و جانشین رسول‌الله از طرف خدا بود و در این زمینه هم موفق به برگرداندن برخی از پیروان خود شد که به‌سوی زید رفته بودند. این موارد نشان‌گر آن است که در بین خاندان اهل‌بیت(ع) کسانی بودند که می‌خواستند امامت را به خود اختصاص داده و از آن بهره ببرند؛ هم‌چنین کسانی نیز بودند که می‌خواستند اختلافی بین صفوف شیعیان انداخته و از آن به‌نفع خود سوءاستفاده کنند؛ اما امام باقر و امام صادق(ع) با این تفکر مبارزه کرده و حافظ خط اصیل امامت بودند (کلینی، ۱۳۶۲، ج۱: ۳۵۴؛ کشی، ۱۳۴۸: ۲۷۶ و ۳۴۷؛ جعفری، ۱۳۷۳: ۲۹۰؛ شهرستانی، ۱۳۹۵ق، ج۱: ۱۵۴؛ الموسوی، ۱۴۱۱ق: ۲۶-۲۷).

www.noormags.ir

۴. قیام زید و فرزندش یحیی

زید ــ فرزند امام سجاد(ع) ــ با خون‌خواهی امام حسین(ع) و با شعار «یا منصور أمت» قیام کرد. قیام زید در زمان امامت امام صادق(ع) اتفاق افتاد، اما مقدمات آن در زمان امام باقر(ع) شکل گرفته بود. وی پس از پشت‌سرگذاشتن درگیری‌های لفظی با هشام‌بن‌عبدالملک بر ضد بنی‌امیه، در سال ۱۲۱ق قیام کرد، اما در اثنای جنگ به شهادت رسید و قیامش با شکست مواجه شد (مفید، ۱۳۷۶، ج۲: ۱۷۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج۳: ۴۳۴-۴۳۳؛ طبری، ۱۹۸۷م، ج۶: ۲۰۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۳، ج۲: ۲۹۹-۲۹۸). بعد از شهادت زید در سال ۱۲۱ق پسرش یحیی به خراسان رفت و در آن‌جا توسط "نصربن‌سیّار" زندانی شد؛ اما پس از مرگ هشام از زندان گریخت و مردم زیادی از شیعیان خراسان، اطراف او جمع شدند. وی به‌سوی نیشابور آمد و با حاکم آن‌جا جنگید و او را شکست داد. در نهایت در سال ۱۲۵ق در جوزجان، هنگام جنگ با سپاه بنی‌امیه کشته شد و نیروهایش پراکنده شدند (مسعودی، ۱۳۶۷، ج۲: ۲۱۰؛ محری، ۱۳۸۲: ۱۵۱ و ۱۵۰).

ویژگیهای محیط بیرونی جامعه شیعی:

فرصت‌های جامعه‌ی شیعی

در دوره‌ی مذکور، مهم‌ترین فرصت‌های موجود در محیط خارجی جامعه‌ی شیعه عبارت بودند از:

۱. درگیری امویان و عباسیان

پس از این‌که بنی‌امیّه به‌قدرت رسیدند، با روش‌های مختلفی ارتباط جریان اصیل و چهره‌ی درخشان اسلام ناب و معارف امامان معصوم(ع) را با جامعه قطع کردند. این حرکت تا دوران امام صادق(ع) ادامه یافت، تا این‌که در اوائل سده‌ی دوم هجری، عباسیان از فضای ضد اموی به‌وجودآمده در جامعه‌ی اسلامی استفاده کرده و با نام اهل‌بیت پیامبر(ص) با حکومت امویان درگیر شده و سبب ضعف و افول قدرت سیاسی خاندان آن‌ها شدند و در فرصت مناسب، امویان را از صحنه سیاسی جامعه‌ی اسلامی خارج کردند (طقوش، ۱۳۸۰: ۱۸۸).

۲. تأسیس حکومت عباسیان

دوره‌ی امامت امام صادق(ع) مصادف با دوره‌ی ضعف و تزلزل حکومت بنی‌امیه و افزایش تبلیغات بنی‌عباس بود. عباسیان از زمان "هشام‌بن‌عبدالملک" تبلیغات و مبارزات سیاسی خود را به‌صورت رسمی آغاز کردند و در اکثر نقاط ممالک اسلامی با شعار «الرضامن‌آل‌محمد» بر علیه امویان تحرکات سیاسی خود را به‌راه انداختند و در نهایت در سال ۱۳۲ هجری قمری توانستند سلسله‌ی امویان را از خلافت ساقط کرده و خود سوار بر کرسی خلافت شوند و بیش از ۵۰۰ سال بر ممالک اسلامی حکمرانی کنند (یعقوبی، ۱۳۷۳: ۳۴۳؛ الطبری، ج۱۱: ۴۶۱۴؛ دینوری، ۴۰۰:۱۳۷۱).

www.noormags.ir

۳. رفع ممنوعیت حدیث

از اقدامات مهم بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) جلوگیری از کتابت و نقل احادیث پیامبر(ص) بود؛ البته این ممنوعیت به‌جزء مدت کوتاه حکومت امام علی و امام حسن(ع) را شامل می‌شود. درواقع، جلوگیری از نقل احادیث پیامبر(ص) با انگیزه‌های سیاسی انجام می‌شد تا معارف و بیانات آن بزرگ‌وار در جامعه منتشر نشود. این عمل تا دوران امامت امام باقر(ع) نیز ادامه داشت و یکی از چالش‌های مهم امام باقر(ع) در متن حکومت اسلامی، عدم آشنایی مردم با معارف پیامبر(ص) بود؛ وقتی عمربن‌عبدالعزیز به‌خلافت رسید، این بدعت را از میان برداشت (سیوطی، ۱۴۰۹ق، ج۲: ۶۴؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۶۲: ۳۰؛ السبحانی، ۱۴۱۰ق، ج۱: ۵۸-۷۳).

تهدیدهای جامعه شیعی:

مهم‌ترین تهدیدها در محیط خارجی جامعه‌ی شیعیان آن روزگار عبارت بودند از:

۱. جریان‌های فکری سیاسی عصر صادقین (ع)

۱. جبریه و قدریه

جریان فکری "جبریه" و "قدریه" در زمان حکومت معاویه ایجاد شدند؛ آن‌ها عقیده داشتند که انسان از خودش هیچ‌گونه اختیاری ندارد و مجبور است؛ لذا تمامی اعمالی که انجام می‌دهد، غیرارادی است و باید در برابر تمامی امور تسلیم باشد. در مقابل، قدریه اعتقاد داشتند هربنده‌ای به‌وجودآورنده‌ی فعل خود است و خدا او را خلق کرده و تمامی امور را به‌خودش واگذار کرده است و انسان حتی در اسباب کار یا انگیزه‌ی آن هم مختار است (دشتی، ۱۳۷۶، ج۸: ۲۶۱).

۲. قیاس‌گرایی

جریان قیاس‌گرایی در زمان امام باقر و امام صادق(ع) ظهور کرد؛ مبتکر این جریان ابوحنیفه بود. جریان قیاس‌گرایی زمینه‌ی بسیاری از بدعت‌ها و انحرافات را به‌وجود آورد. شالوده و بنیان این جریان مسأله‌ی عمل به قیاس (مقایسه‌ی احکام خدا با یک‌دیگر) و استحسان بود. نتیجه‌ی قیاس و استحسان، در حقیقت به اِعمال نظر شخصی و سلیقه‌ای در دین خدا و خروج از دستورالعمل پیامبر(ص) است (البرقی، ۱۳۷۱، ج۱: ۳۳۸؛ مشکور، ۱۳۶۸: ۳۵۸).

۳. مرجئه

مُرجئه نیز یکی از فرقه‌های فکری بودند که دنبال توجیه ستم خلفای بنی‌امیّه در قالب اندیشه‌های کلامی برآمدند. مُرجئه بر این باور بودند که مرتکب گناهان کبیره، مخلّد در دوزخ نمی‌ماند، بلکه کار او را به خدا وا می‌گذاشتند و به این دلیل آنان را مرجئه می‌خواندند.

www.noormags.ir

مرجئه طرفدار روح امید و رجاء بود. آنان نیت و ایمان درونی را کافی می‌دانستند و عمل صالح را در جامعه لازم نمی‌دیدند و بر این باور بودند که خدا نیز بر آن بسنده می‌کند و عذاب‌شان نخواهد کرد (شهرستانی، ۱۳۹۵ق: ۶۰؛ حسینی، ۱۳۷۶، ج۹: ۲۶۹).

۴. زنادقه

فعالیت زنادقه بر ایجاد شک و تردید در دین و القای شبهه در بین مردم بود. یکی از مستمسک‌های زنادقه در مجادله با مسلمانان، ترویج عقاید دهری‌گری بوده است. دهریون، دهر و زمان را سبب هلاک انسان و موجب اجرای تقدیر می‌دانستند و معتقد بودند که تنها، حیات این جهان اعتبار دارد و با مرگ انسان، همه‌چیز تمام می‌شود و آن‌چه‌که انسان را هلاک می‌کند و از بین می‌برد، گذشت زمان است (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۵۰۴ - ۵۰۵).

۵. خوارج

خوارج پس از داوری بین امام علی(ع) و معاویه در جنگ صفین پدید آمدند. آنان امام علی(ع)، معاویه، عثمان و حکمین را کافر شمردند؛ چون قائل بودند که آنان حکمین را در مقابل حکم خدا انتخاب کرده‌اند، لذا مرتکب گناه کبیره شده‌اند. خوارج بر این باورند که مرتکب گناهان کبیره کافر است. آن‌ها در حکومت‌داری مخالف ارباب‌رعیتی بودند و با نظر مخلوق‌بودن قرآن به‌شدت مخالفت می‌کردند (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج۱: ۱۷۴؛ شهرستانی، همان، ج۱: ۵۰).

۶. رواج احادیث ساختگی و مجعول

یکی از مشکلاتی که در پی انحرافات عمیق پس از رحلت رسول اکرم(ص) ــ به‌جزء دوران امام علی و امام حسن(ع) ــ دامن‌گیر جهان اسلام شد، جلوگیری از تدوین احادیث پیامبر اسلام بود. آثار زیان‌بار این عمل سالیان طولانی بر پیشانی فرهنگ دینی جامعه‌ی اسلامی باقی ماند. نزدیک به یک قرن از نگاشتن و محفوظ داشتن احادیث نبوی(ص) جلوگیری شدید به‌عمل آمد و به‌جای آن، سیل عظیمی از تحریفات و احادیث ساختگی وارد جامعه شد. چون تدوین و نقل احادیث پیامبر ممنوع شده بود، آن‌ها از این فرصت استفاده کرده و روایات دروغ و بی‌اساس را به نفع حکومت و مشروع جلوه‌دادن ماهیت آن نقل می‌کردند. در این میان امام باقر و امام صادق(ع) رواج احادیث ساختگی و مجعول را بزرگ‌ترین تهدید برای جامعه‌ی اسلامی می‌دانستند و مانند سایر ائمه با آن به مقابله برخواستند (الذهبی، ۱۴۱۹ق، ج۱: ۷؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۲۱ق، ج۴: ۶۳-۶۸ و ج۱۱: ۴۴-۴۶؛ پیشوایی، ۱۳۷۵: ۳۲۵).

۷. عملکرد حکومت‌های وقت

بعد از واقعه‌ی عاشورا، امویان به‌صورت آرام بر تمامی ممالک اسلامی سیطره پیدا کرده و اهل‌بیت پیامبر(ص) را از جامعه‌ی اسلامی دور کردند. این سیاست تا پایان حکومت امویان

www.noormags.ir

ادامه داشت. هم‌چنین وقتی عباسیان به حکومت رسیدند، منصور دوانیقی نیز عرصه را چنان بر شیعیان تنگ کرد که امام صادق(ع) مجبور شد یاران خود را امر به تقیه کند. این فضا در مدت حکومت امویان و عباسیان هم‌چنان ادامه داشت و تهدید جدی برای شیعیان به‌شمار می‌رفت (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۲۵ -۳۱۷؛ القرشی، ۱۴۰۴ق، ج۲: ۵۱-۵۲).

شکل: راهبرد ارائه شده با الگوی ضعف ــ تهدید در روش تحلیل SWOT

	عوامل استراتژیک	w (ضعف)
محیط خارجی	t (تهدید)	w t
	راهبرد ارائه شده	۱. تقیه ۲. مدارا ۳. تولی ۴. تبری

راهبردهای سیاسی امام باقر و امام صادق(ع)

بعد از واقعه‌ی عاشورا، حکومت‌های وقت از پتانسیل شیعیان آگاهی یافته و آن‌ها را در سختی و تنگنا نگه داشته و مورد آزار و اذیت قرار دادند. این سختی و مشکلات باعث شد شیعیان زندگی سختی را داشته باشند و متحمل دردها و رنج‌های فراوانی شوند. البته با تحمل مشکلات و مصائب از عقاید خود دست برنداشته و حاکمیت غیر ائمه‌ی معصومین(ع) را قبول نمی‌کردند؛ آن‌ها در مقابل مشکلات و شکنجه‌های حکومت، صبر و استقامت می‌ورزیدند. امامان معصوم(ع) به‌خصوص صادقین(ع) نیز بر امر استقامت و صبر در برابر مشکلات و پای‌بندی به ولایت ائمه‌ی معصومین(ع) تأکید داشتند. به‌خاطر همین مساله، ایشان با توجه به شراط سیاسی جامعه‌ی اسلامی در عصر امویان و عباسیان، در کنار اسقامت و صبر، راهبرد تقیه و مدارا را نیز برای شیعیان ارائه کردند؛ چون با وجود تقیه و کتمان حقایق در دل خود، خوف آن می‌رفت که شیعیان در مذاهب دیگر هضم شوند و اثری از تشیع باقی نماند، لذا امام باقر(ع) و امام صادق(ع) با تأکید نسبت به شناخت دوستان و دشمنان اهل‌بیت(ع) راهبرد تولی را برای دوست‌داشتن اهل‌بیت(ع) و تبری را برای کینه و دشمن‌داشتن مبغضین اهل‌بیت(ع) ارائه کردند تا شیعیان با عمل به این چهار راهبرد، هم از خطرات مصون بمانند و هم در راه خود ثابت قدم باشند و از راه ولایت منحرف نشده و به سرمنزل سعادت نائل آیند. در ادامه راهبردهای چهارگانه‌ی فوق تبیین می‌شوند:

۱. راهبرد تقیه

«تقیه» در لغت به‌معنای نگاه داشتن، پرهیز کردن و پنهان نمودن است. در منابع اسلامی، تقیه به‌معنای نگاه‌داری خود از صدمه‌ی دیگری از راه ابراز موافقت با او در گفتار یا رفتار مخالف حق است؛ به‌تعبیر شیخ مفید: تقیه یعنی پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد خود در

www.noormags.ir

برابر مخالفان، به‌منظور اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی است. در تقیه، برخلاف نفاق ــ که موضوع آن تظاهر به حق و پنهان کردن شرک و باطل است ــ شخص مؤمن به‌دلیل ترس از زیان مالی یا جانی برای خود یا دیگری، از اظهار حقیقت خودداری می‌کند (ابن‌منظور، ۱۳۶۳، ج۱۵: ۴۰۲ و ۴۰۱).

یکی از مهم‌ترین راهبردی که در گفتار و رفتار امامان شیعه به آن برخورد می‌کنیم، تقیه است. در میان ائمه‌ی معصومین(ع)، صادقین(ع) که در سیاه‌ترین دوران اموی و عباسی زندگی می‌کردند به این امر مهم تأکید داشتند؛ چون جامعه‌ی شیعی در موقعیتی نبود که بتواند معارف خود را علنی کند، لذا صادقین(ع) شیعیان را بر تقیه امر می‌کردند. هم‌چنین راهبرد تقیه را برای عصر غیبت نیز ارائه فرمودند تا زمانی‌که که شیعیان نیروی کافی برای نشر معارف خود نداشتند، به امر تقیه روی آورند. ایشان با لحاظ کردن تهدیدهایی که از بیرون جامعه‌ی شیعی را تهدید می‌کرد و هم‌چنین ضعف‌هایی که در درون جامعه‌ی شیعی وجود داشت، برای حفظ و دوری آنان از گزند مخالفان، راهبرد تقیه را ارائه نمودند. در ادامه‌ی راهبرد تقیه، به روایاتی از صادقین(ع) در این مورد اشاره می‌شود:

۱-۱. روایات امام باقر(ع) درباره‌ی وجوب و لزوم تقیه

امام باقر(ع) نسبت به اهمیت تقیه می‌فرماید: تقیه، دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۷۵: ۴۳۱). از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمودند: تقیه در هر چیزی برای آدمی، خواه ناخواه پیش می‌آید و خدا هم به‌همین جهت آن را حلال فرموده است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج۲: ۲۲۰). ایشان هم‌چنین در مورد عمل به تقیه فرمودند: «عمل به تقیّه، برای حفظ برادران ایمانی است و اگر عمل مذکور، بیم‌ناکی را از هراس رهانده و حفظ نماید، شریف‌ترین علائم کرم و بزرگ‌واری است» (حر عاملی، ۱۳۲۳ق، ج۱۱، باب ۲۸). امام باقر(ع) در توصیه به شیعیان و دوستان‌شان می‌فرمودند:

«موالیان ما! همیشه ملازم با تقیّه باشید. همانا کسی‌که در حال ایمنی و نزد افراد بی‌آزار تقیّه را شعار و لباس خود ننماید، تا عادت او شده و در مورد خوف و نزد ستمکار فراموش نکند، از ما نیست» (حر عاملی، ۱۳۲۳ق، ج۱۱، باب ۲۸).

۲-۱. روایات امام صادق(ع) درباره‌ی وجوب و لزوم تقیه

امام صادق همانند امام باقر می‌فرمایند:

«تقیه آئین من و آئین پدران من است؛ کسی که تقیه ندارد دین ندارد. تقیه سپر نیرومند پروردگار در زمین است، چرا که اگر مؤمن آل‌فرعون ایمان خود را اظهار می‌کرد، مسلما کشته می‌شد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱: ۵۲۱).

www.noormags.ir

ابن‌ابی‌یعفور از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«به‌خاطر حفظ دینتان تقیه کنید و آن را با تقیه مخفی نگاه دارید؛ زیرا هرکس که تقیه ندارد ایمان ندارد. همانا شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگانید؛ اگر پرندگان می‌دانستند که در درون زنبور عسل چیست، از آن ها چیزی باقی نمی‌گذاشتند و اگر مردم (مخالفین) بدانند که در قلب‌تان محبت ما اهل‌بیت را دارید، شما را با زبان‌شان نابود می‌ساختند و در نهان و آشکار به‌شما ناسزا می‌گفتند. خدا بیامرزد آن بنده‌ای را که ولایت ما را داشته باشد» (کلینی، ۱۳۶۲، ج۲: ۲۱۸).

روایات وارده حکایت از جو سنگینی دارد که در دوران این دو امام بزرگ‌وار بر جامعه حاکم بود و ایشان نیز با تدبیر و هوشمندی کامل، تقیه را به‌عنوان راهبرد مبارزه‌ی منفی و راه خروج شیعیان از آن بحران در پیش گرفتند.

۲. راهبرد مدارا

مدارا در لغت به‌معنای ملاطفت، نرمی و احتیاط کردن؛ و هم‌چنین به‌معنای لطف در برابر زور نیز آمده است. در مرآة‌العقول در تعریف مدارا آمده است:

«مدارا به‌معنای حلم، بردباری، تغافل، نرم‌خویی، رأفت، ترک زور، و عدم خشونت در سخن با مخالفین در تمام حالات است؛ چه این‌که از طرف مقابل خلافی نسبت به انسان سربزند یا نه» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج۱۳: ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۷۱: ۲۳۳).

ارائه‌ی راهبرد مدارا از سوی امام باقر و امام صادق(ع) در دوران حکومت امویان و عباسیان، نشان‌گر طبیعی و عادی‌نبودن شرایط زندگی شیعیان است. در این میان ایشان تاکید داشتند که آن‌ها در مقابل حاکمیت مدارا کرده و مقابله‌به‌مثل نکنند. در این بخش، صادقین(ع) با در نظر گرفتن ضعف‌های درون جامعه‌ی شیعی و تهدیدهای موجود در بیرون آن، راهبرد مدارا را ارائه کردند تا در چنین شرایطی شیعیان با تأسی به کلام امامان معصوم با مخالفان خود رفتار نمایند. با ذکر این روایات در می‌یابیم که مدارا و حسن معاشرت با مخالفین برای شیعیان از نظر امامان شیعه(ع) لازم و ضروری بوده است؛ چون با این کار، چند امر مهم محقق می‌شود: اول: دشمنان اسلام نمی‌توانند در بین صفوف مسلمانان رخنه کرده و آن را نابود کنند. دوم، باعث عدم بروز حساسیت‌های مذهبی در بین مسلمین می‌شود. دیگر این‌که جامعه‌ی شیعه از خطرات احتمالی مخالفین و حاکمیت محفوظ مانده و باعث تدام تشیع می‌شود.

امام صادق(ع) درباره‌ی مدارا و چگونگی معاشرت با مخالفین می‌فرماید:

www.noormags.ir

«نظر به امامان خود کنید؛ کسانی که به آن‌ها اقتدا می‌نمایید، هرکاری که آنان کردند شما نیز چنین کنید. به‌خدا سوگند که امامان شما بیماران آن‌ها را عیادت می‌کنند و در تشییع جنازه‌شان حاضر می‌شوند و به‌نفع و ضرر آن‌ها گواهی می‌دهند و امانت را به آن‌ها باز می‌گردانند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۸: ۲۳۳).



هم‌چنین امام صادق(ع) خطاب به "زیدبن‌حشّام" درباره‌ی معاشرت و تعامل با مخالفین می‌فرماید:

«ای زید! با مردم [یعنی عامه و اهل تسنن] با اخلاق خودشان معاشرت کنید. در مساجدشان نماز بگزارید و مریضان‌شان را عیادت کنید و در تشیع جنازه های‌شان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آن‌ها شوید، این کار را بکنید؛ که اگر شما چنین عمل کردید، خواهند گفت: اینان جعفریان‌اند؛ خدا او را رحمت کند، چه اصحابش را خوب تربیت کرده است و اگر این امور را ترک نمودید خواهند گفت: اینان جعفریان‌اند؛ خداوند جزایش را بدهد، چه اصحابش را بد تربیت کرده است» (حر عاملی، ۱۳۶۲، ج۸: ۴۳۰).

بر اساس آن‌چه نقل شد، یکی از مهم‌ترین اموری که باعث حفظ جامعه‌ی شیعی در بین سایر گروه‌ها و مذاهب اسلامی است، مدارا و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با جریان‌های غالب و حاکمیت می‌باشد. صادقین(ع) با هوشمندی کامل برای مصون‌ماندن شیعیان از خطرات دشمنان، این راهبرد را به شیعیان توصیه و تاکید می‌کردند؛ چون با انجام این کار، اموال و نفوس آن‌ها محفوظ مانده و در نتیجه می‌توان معارف اصیل امامان را در جامعه نشر و گسترش داد.

۳. راهبرد تولی

«تولّی» بر وزن "ترقّی" مصدر باب تفعّل از ماده‌ی «ولی» و در لغت به‌معنای پذیرش ولایت و کسی را ولیّ خود قرار دادن است. ولیّ در زبان عرب به‌معنای دوست، یاور و سرپرست آمده است. چنان‌که مصدر آن «ولایت» نیز به‌معنای دوستی، یاوری و سرپرستی استعمال شده است. بنابراین تولّی هم می‌تواند به‌معنای پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن باشد، و هم می‌تواند به‌معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن به‌کار گرفته شود. اما با توجه به موارد استعمال این کلمه در آیات و روایات می‌توان گفت که دوستی و سرپرستی، لازم و ملزوم یک‌دیگرند و پذیرش دوستی، مقدمه‌ی پذیرش سرپرستی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۵: ۶۲۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۹: ۵۴۳).

همان‌گونه که درباره‌ی شرایط سیاسی اجتماعی شیعیان عصر صادقین(ع) گفته شد، به‌لحاظ شرایط خفقانی که شیعیان را احاطه کرده بود و آن‌ها به‌راحتی نمی‌توانستند با یک‌دیگر ارتباط برقرار کنند؛ و هم‌چنین به‌خاطر حفظ جان خود به تقیه و مدارا امر شده

www.noormags.ir

بودند، ترس آن می‌رفت که جامعه‌ی شیعی در مدت زمانی، به‌دلیل تقیه و آشکارنکردن اعتقادات خود در دل سایر مذاهب اسلامی هضم شده و چیزی از تشیع باقی نماند. لذا صادقین(ع) برای حفظ و تقویت اعتقادات آن‌ها، استراتژی تولی و تبری را نیز مطرح کردند تا شیعیان در عین این‌که ظواهر خود را هم‌سان حاکمیت قرار می‌دهند، اما در دل محبت به اهل‌بیت(ع) و دشمنی دشمنان اهل‌بیت(ع) را داشته باشند. این حرکت یک معیار و راهبرد از طرف ایشان برای شیعیان ارائه گردید.

درباره‌ی تولی، روایات متعددی از امام باقر و امام صادق(ع) نقل شده است که در ادامه، در قالب راهبرد تولی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۱. روایات امام باقر(ع) درباره‌ی راهبرد تولی و محبت به امام عصر(عج)

امام باقر(ع) روایاتی را برای شیعیان درباره‌ی محبت و ولایت‌مداری نسبت به اهل بیت(ع) و امام زمان(عج) ارائه فرموده‌اند. از آن‌جمله، ابوحمزه ثمالی (ره) درباره‌ی اهمیت ولایت اهل‌بیت(ع) از امام باقر(ع) چنین نقل می‌کند: به حضرت باقر(ع) گفتم: یابن رسول‌الله(ص)! فدایت شوم، شخصی روز روزه‌دار و شب به عبادت می‌گذراند و صدقه می‌دهد و جز خیر و خوبی از او نمی‌دانم؛ جز آن‌که اقرار به ولایت شما ندارد؟ می‌گوید: امام (ع) تبسم کرد و فرمود: ای ثابت! من در برترین مکان‌های زمین هستم؛ اگر بنده‌ای همیشه در سجده در میان رکن و مقام باشد، تا پایان عمر که از دنیا برود، ولی ولایت ما را نشناسد، این عبادت سودی به‌حال او ندارد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج۱: ۱۵۰). امام باقر(ع) درباره‌ی محبت نسبت به مهدی موعود(عج) نیز فرموده‌اند: «هرکس دوست دارد خدا را ملاقات کند، در حالی‌که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس دوست‌دار حضرت حجت صاحب‌الزمان منتظر باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۳۶: ۲۹۶). بنابراین، ایمان با محبت و ولایت امام عصر(عج) کامل می‌شود و یکی از وظایف شیعیان، دوستی ایشان و تقویت آن در قلوب‌شان است.

۳-۲. روایات امام صادق(ع) درباره‌ی راهبرد تولی و محبت به امام عصر(عج)

امام صادق(ع) نیز روایاتی را برای شیعیان درباره‌ی محبت و ولایت‌مداری نسبت به اهل‌بیت(ع) و امام زمان(عج) ارائه فرموده‌اند که در جای خود قابل تامل است. آن حضرت درباره‌ی محبت و دوستی نسبت به اهل بیت(ع) در زمان غیبت ایشان می‌فرمایند:

«چون به‌روزی گرفتار شدی که در آن امامی از آل‌محمد [صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله] را ندیدید، پس دوست بدار هرکه را دوست می‌داشتی، و دشمن بدار هرکه را دشمن می‌داشتی؛ و به ولایت هرکه سر می‌سپردی گردن گذار و امر فرج را صبح و عصر منتظر باش». (النعمانی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴).

www.noormags.ir

در حدیثی از امام صادق (ع) که ایشان از پدرانش و آن‌ها از امام علی(ع) نقل کرده‌اند، آمده است ک امیرالمومنین(ع) فرمودند:

«برادرم رسول خدا به من فرمود: کسی که دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی‌که ایمانش کامل و اسلامش نیکوست، پس باید تحت ولایت حجت صاحب‌الزمان قرار گرفته و او را دوست بدارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۳۶: ۲۹۶).

راهبرد تولی که تبلور روایات نورانی فوق است، بیان‌گر این مطلب است که اگر شیعیان بخواهند در عصر غیبت هم‌چنان بر روی خط اصیل اسلامی حرکت کنند و منحرف نشوند، باید تولی خود را نسبت به کسانی که خداوند در قرآن فرموده، حفظ کنند؛ و الا دچار مشکلات همان کسانی می‌شوند که از مسیر ولایت دور شده‌اند. این راهبرد در عین ظرافت، مرز بین هدایت و گمراهی را در خود نشان می‌دهد.

۴. راهبرد تبری

«تبرّی» بر وزن "ترقّی" مصدر باب تفعّل از ماده‌ی «برء» و به‌معنای بیزاری جستن، بیزار شدن و دوری گزیدن آمده است و در اصطلاح نیز به‌معنی دشمنی و بیزاری از دشمنان آنان و لعن و نفرین بر آن‌هاست (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۴: ۵۷۵). طبق روایات وارده از امامان معصوم(ع) یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان، بیزاری جستن از دشمنان اهل‌بیت(ع) است؛ لذا در روایات، تبری به‌عنوان معیاری برای تشخیص مرز بین ایمان و عدم ایمان لحاظ شده است. امام باقر و امام صادق(ع) با استفاده از نقاط ضعف و تهدید موجود در درون و بیرون جامعه‌ی شیعی، راهبرد تبری را برای شیعیان به‌عنوان قطب تکمیل‌کننده‌ی تولی ارائه کردند.

۴-۱. روایات امام باقر(ع) درباره‌ی راهبرد تبری

امام باقر(ع) درباه‌ی معیار معرفت خدا به ابی‌حمزه فرمودند:

«کسی خدا را عبادت می‌کند که او را شناخته باشد و اگر کسی خدا را نشاسد او را گمراهانه عبادت می‌کند. ابی‌حمزه می‌گوید: از آن حضرت پرسیدم: شناخت و معرفت خدا چیست؟ فرمود: تصدیق و باور به خدا و باور به رسول خدا و ولایت علی(ع) را داشتن و امامت و پیشوایی او و پیشوایان هدایت را پذیرفتن و از دشمنان آن‌ها در نزد خدا بیزاری جستن، حقیقت معرفت خداست» (کلینی، ۱۳۶۲، ج۱: ۱۸۰).

۴-۲. روایات امام صادق(ع) درباره‌ی راهبرد تبری

امام صادق(ع) درباره‌ی دشمنی نسبت به دشمنان اهل‌بیت(ع) در زمان غیبت می‌فرمایند:

www.noormags.ir

«چون به‌روزی گرفتار شدی که در آن امامی از آل محمد [ص] را ندیدید، پس دوست بدار هر که را دوست می‌داشتی و دشمن‌بدار هر که را دشمن می‌داشتی و به ولایت هر که سر می‌سپردی، گردن گذار و امر فرج را صبح و عصر منتظر باش» (النعمانی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴).

هم‌چنین در روایات آمده است که به امام صادق(ع) گفتند: شخصی شما را دوست دارد، اما در برائت از دشمن شما ضعیف است. حضرت در جواب وی فرمودند: هرگز چنین نیست؛ دروغ می‌گوید هرکس که ادعا می‌کند دوست ماست ولی از دشمن ما بیزاری نجوید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۲۷: ۵۸).

یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان، اعلام برائت از دشمنان اهل‌بیت(ع) است. هم‌چنان‌که روایات فوق از اهمیت این مقوله حکایت می‌کنند، لذا شیعیان با داشتن تولی نسبت به امامان معصوم(ع) و هم‌چنین با بیزاری جستن از دشمنان آن‌ها، حلقه‌ی ارتباطی خود با امامان‌شان را محکم می‌کنند. لذا تبری، به‌عنوان یکی از راهبردهای دو امام بزرگ‌وار برای حفظ راه ولایت و امامت برای شیعیان ارئه شده است.

نتیجه‌گیری

بازشناسی شرایط سیاسی دوره‌ی امام باقر(ع) و امام صادق(ع)، رویکرد این تحقیق را به این‌سمت جهت داد که آن شرایط دشوار، آسیب‌ها و دشواری‌هایی را برای شیعه ایجاد نموده بود؛ علاوه‌براین، فرصت‌هایی هم وجود داشته است. برآیند آن عنصر، امامان شیعه را به این امر وامی‌داشت که به‌منظور استمرار اطاعت و تبعیت محض شیعه از امام و استمرار ارتباط وثیق آن‌ها با عنصر رهبری و امامت، با برآورد ضعف‌ها و قوت‌ها، برای برون‌رفت از وضع بحرانی و مصون‌ماندن شیعیان از خطرات حاکمیت، راهبردهایی را در اختیار شیعیان قرار دهند. مقاله‌ی حاضر این راهبردها را بر اساس چارچوب و الگوی روشی (سوات ــ swot) مورد بررسی قرار داد و با تلفیق الگوی راهبردی ضعف ــ تهدید؛ راهبرد سیاسی: تقیه، مدارا، تولی و تبری از صادقین (ع) را برای شیعیان بررسی و تبیین نمود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی‌الحدید (۱۴۲۱ق). شرح نهج‌البلاغه. تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم. تهران: انتشارات کتاب آوند دانش.
۳. ابن جوزی، سبط (۱۴۱۸ق). تذکره الخواص. قم: شریف رضی.

www.noormags.ir

۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون. ترجمه: محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (چاپ نهم).
۵. ابن سعد، محمد بن سعد کاتب (۱۳۷۴). الطبقات الکبری. ترجمه: محمود مهدوی دامغانی. تهران: فرهنگ و اندیشه.
۶. الاشعری القمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۱). المقالات و الفرق. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. البرقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۸. البلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). جمل من انساب الأشراف. تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
۹. پیرس، جان و ریچارد کنت رابینسون (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک. مترجم: سهراب خلیلی شورینی. تهران: انتشارات یادواره کتاب (چاپ دوم).
۱۰. پیشوایی، مهدی (۱۳۷۵). سیره‌ی پیشوایان. قم: انتشارات مؤسسه امام صادق(ع) (چاپ سوم).
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۱). تاریخ ایران اسلامی. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر (چاپ سوم).
۱۲. ـــــــــــ (۱۳۸۱). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع). قم: انتشارات انصاریان (چاپ ششم).
۱۳. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۶). معارف و معاریف. قم: انتشارات صدر.
۱۴. الحموی (یاقوت)، ابوعبدالله (۱۹۹۰م). معجم البلدان. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۵. الخویی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه.
۱۶. دفتری، فرهاد (۱۳۷۵). تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه: فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات فرزان.
۱۷. دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۱). اخبار الطوال. ترجمه: محمود مهدی دامغانی. تهران: نشر نی (چاپ چهارم).
۱۸. الذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۹ق). تذکره الحفاظ. بیروت: دار احیا، التراث العربی.
۱۹. الزبیدی، محمدحسین (۱۹۷۰م). الحیاة الاجتماعیه و الاقتصادیه فی الکوفه فی القرن الاول الهجری. بغداد: انتشارات جامعة بغداد.
۲۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶). تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: انتشارات امیر کبیر (چاپ یازدهم).
۲۱. السبحانی، جعفر (۱۴۱۰ق). بحوث فی الملل و النحل. قم: لجنة اداره الحوزه العلمیة قم المقدسة (الطبعة الثانیة).
۲۲. السیوطی، عبدالرحمن بن أبی‌بکر (۱۴۰۹ق). تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۳. الشریف القرشی، باقر (۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م). حیاه الامام الباقر(ع). بیروت: موٌسسة الوفاء

www.noormags.ir

(چاپ دوم).
۲۴. شهرآشوب، محمد بن علی (۱۳۹۷ق). مناقب آل ابی‌طالب. تصحیح: رسولی محلاتی. قم: انتشارات علامه (چاپ چهارم).
۲۵. الشهرستانی، ابی‌الفتح محمد بن عبدالکریم (۱۳۹۵ق). کتاب الفصل فی الملل و الاهواء و النحل. بیروت: دار المعرفه للطباعه والنشر.
۲۶. روشندل، جلیل (۱۳۷۰). تحول در مفهوم استراتژی (مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امورخارجه.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه: موسوی همدانی، محمدباقر. قم. دفتر انتشارات اسلامی (چاپ پنجم).
۲۸. الطبرسی، ابی‌منصور احمد بن علی بن ابیطالب (۱۴۱۶ق). الاحتجاج. قم: دارالاسوه (الطبعة الثانیه).
۲۹. الطبری؛ محمد بن جریر (۱۹۸۷م). الامم و الملوک (تاریخ الطبری). بیروت: مؤسسه عزالدین.
۳۰. طقوش، محمد سهیل (۱۳۹۱). دولت امویان. ترجمه: حجت‌الله جودکی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم (چاپ ششم).
۳۱. العاملی، شیخ حر (۱۳۲۳ق). وسائل‌الشیعه. تهران: چاپ امیر بهادر.
۳۲. العاملی، جعفر مرتضی (۱۴۰۹ق). دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام. قم: جماعة المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، موسسه النشر الاسلامی.
۳۳. العلوی، حسن (۱۳۷۶). شیعه و حکومت در عراق. ترجمه: محمد نبی ابراهیمی. تهران: انتشارات سوره مهر.
۳۴. عمادزاده، حسین (۱۳۶۲). زندگانی معلم کبیر حضرت امام صادق (ع). تهران: انتشارات گنجینه.
۳۵. قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). تاریخ قم. ترجمه: حسن بن علی قمی؛ تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی. قم: انتشارات توس.
۳۶. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹). منتهی‌الآمال. تحقیق: ناصر باقری بیدهندی. قم: انتشارات دلیل.
۳۷. الکشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ق). اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال الکشی). تلخیص: محمد بن حسن طوسی؛ مصحح: حسن مصطفوی. مشهد: دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات.
۳۸. کلینی، محمد (۱۳۶۲). اصول کافی. ترجمه: محمدباقر کمره‌ای. تهران: اسلامیه (چاپ دوم).
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحارالأنوار. بیروت: بی‌نا (چاپ دوم).
۴۰. محرمی، غلام‌حسین (۱۳۸۲). تاریخ تشیع از پیدایش تا پایان غیبت صغری. بی‌جا: انتشارات نصایح.
۴۱. محمدجعفری، سید حسین (۱۳۷۳). تشیع در مسیر تاریخ. ترجمه: سید محمدتقی آیت اللهی. تهران: دفترنشر فرهنگ اسلامی چاپ (هفتم).
۴۲. مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۶۲). علم الحدیث و درایة الحدیث. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم (چاپ سوم).

www.noormags.ir

۴۳. مسعودی، علی بن حسین (ابوالحسن) (۱۳۶۷). مروج الذهب و معادن الجوهر. ترجمه: ابو القاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (چاپ سوم).
۴۴. مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸). فرهنگ فرق اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۵. مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۷۶). الارشاد. ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی. تهران: ناشر اسلامیه (چاپ سوم).
۴۶. مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ. ترجمه: محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: انتشارات آگه.
۴۷. المقریزی، تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۱۸ق). المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و آلاثار. بیروت: دار الصادر.
۴۸. الموسوی، عباس علی (۱۴۱۱ق). فی رحاب الصحیفه السجادیه علی بن حسین(ع). بیروت: انتشارات دارالمرتضی.
۴۹. النعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر (۱۴۰۳ق). کتاب الغیبة. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۵۰. النوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).
۵۱. واسطی زبیدی، محب‌الدین سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج‌العروس من جواهر القاموس. محقق و مصحح: علی شیری. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۳). تاریخ یعقوبی. قم: انتشارات شریف رضی.
۵۳. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج‌البلاغة (صبحی صالح). قم: بی‌نا.
۵۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مصحح: هاشم رسولی، فضل‌الله یزدی طباطبایی. تهران: ناصر خسرو.
۵۵. المجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. محقق و مصحح: هاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب الإسلامیة (چاپ دوم).
۵۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

www.noormags.ir